

برکات عصر ظهور در روایات اهل سنت

محمد یعقوب بشوی*

چکیده

عصر ظهور در برخی روایات برادران اهل سنت، به عنوان رویدادی استثنائی معرفی شده است. عصر ظهور مترقی ترین دوران برای بشریت خواهد بود. روایات چهره متفاوتی از آن رونمایی می کنند! برکات آن عصر، محدود به انسان نخواهد بود، بلکه همه عالم از برکات آن بهره مند می شوند. در آن عصر عقول و ارزش های انسانی به تکامل خواهند رسید؛ بنابراین، تکامل اجتماعی هم اجتناب ناپذیر خواهد بود. روایات معتبر اهل سنت در صحاح و مسانید بر توسعه مادی و معنوی همه جانبه آن زمان دلالت دارد.

مهم ترین برکات آن عصر، از دید روایات اهل سنت را می توان همچون: استقرار عدالت، از بردن ظلم، ایجاد امنیت، رفاه اقتصادی، واکنش مثبت عالم، عزت امت و تشکیل حکومت واحد جهانی دانست. روایات شاخص های مهم آن عصر را، توسعه امنیتی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی معرفی می کنند. سؤال اصلی «برکات عصر ظهور در روایات اهل سنت» می باشد. در عصر ظهور جامعه تکامل یافته تر خواهد بود و بشر به منتهای سعادت خود دست خواهد یافت. اهداف بعثت انبیاء (علیهم السلام) و وعده خداوند درباره استقرار حکومت مستضعفان صالح بر جهان تحقق خواهد یافت. در نتیجه همه نظام های فاسد از بین رفته، تنها یک نظام الهی دارای ارزش های واقعی به دست رهبر الهی تشکیل خواهد شد.

کلیدواژه ها: برکات، امام مهدی، عصر ظهور، روایات، اهل سنت.

* دکترای تفسیر تطبیقی، (پژوهشگر و استاد جامعه المصطفی العالمیه)، bashoviv86@yahoo.com

مقدمه

دانشمندان شیعه و اهل سنت تاکنون هزاران اثر، اعم از کتاب و مقاله، درباره موضوع مهدویت، به رشته تحریر درآورده‌اند. منابع مهم اهل سنت همچون: صحاح سته، مسانید، مستدرکات و جوامع حدیثی از این موضوع سخن فراوان گفته‌اند. طبق بررسی اینجانب تنها در منابع اهل سنت، بیش از ۷۶ نفر از صحابه، روایات مهدویت را نقل نموده،^۱ دهها نفر از بزرگان و دانشمندان اهل سنت، این مسئله را متواتر دانسته‌اند؛ از جمله: ابو الحسین آبری (متوفای ۳۶۳ق)؛^۲ گنجی شافعی (متوفای ۶۵۸ق)؛^۳ قرطبی (متوفای ۶۷۱ق)؛^۴ یوسف مزی (متوفای ۷۴۲ق)؛^۵ ابن حجر عسقلانی (متوفای ۸۵۲ق)؛^۶ ابن حجر هیثمی (متوفای ۹۷۴ق)؛^۷ سخاوی (متوفای ۹۰۲ق)؛^۸ جلال‌الدین سیوطی (متوفای ۹۱۱ق)؛^۹ ملاعلی قاری (متوفای ۱۰۱۴ق)؛^{۱۰} برزنجی (متوفای ۱۱۰۳ق)؛^{۱۱} شوکانی (متوفای ۱۲۵۰ق)؛^{۱۲} محمد سفارینی (متوفای ۱۱۸۸ق)؛^۱ زرقانی (متوفای ۱۱۲۲ق)؛^۲ مرعی

۱. نگارنده: نقداحادیث مهدویت از نگاه اهل سنت، ص ۱۹-۲۰.

۲. نظم المتناثر، ص ۲۸۲.

۳. البیان، ص ۱۲۴.

۴. الجامع لاحکام القرآن، ج ۸، ص ۱۲۱-۱۲۲.

۵. تهذیب الکمال، ص ۲۴۵.

۶. فتح الباری، ج ۶، ص ۶۱۱.

۷. الصواعق المحرقة، ج ۲، ص ۴۸۰.

۸. فتح المغیث بنقل از نظم المتناثر، ص ۲۸۲.

۹. الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۸۵.

۱۰. المهدی المنتظر، ص ۴۲.

۱۱. پیشین.

۱۲. البیان، ص ۱۶۵.



حنبلی؛^۳ شیخ جسوس (متوفای ۱۱۸۲ق)؛^۴ محمد شهرزوری (متوفای ۱۰۱۳ق)؛^۵ ادريس عراقی (متوفای ۱۱۸۳ق)؛^۶ صديق حسن خان قنوجی (متوفای ۱۳۰۷ق)؛^۷ کتانی (متوفای ۱۳۴۵ق)؛^۸ مؤمن شبلنجی (متوفای بعد از ۱۳۰۸ق)؛^۹ ابوالفیض غماری مغربی؛^{۱۰} و از دانشمندان معاصرین، همچون: عبدالعزیز بن عبدالله بن باز؛^{۱۱} عبدالمحسن العباد؛^{۱۲} طنجی؛^{۱۳} محمد ادريس کاندهلوی؛^{۱۴} ناصر الدين آلبانی؛^{۱۵} مشوخی؛^{۱۶} شامزئی؛^{۱۷} طاهر قادری؛^{۱۸} و عامر حسن صبری.^{۱۹}

۱. پیشین.
۲. شرح المواهب بنقل از المهدي المنتظر، ص ۴۳، نظم المتناثر، ص ۲۸۲.
۳. پیشین.
۴. نظم المتناثر، ص ۲۸۲.
۵. الاشاعة، ص ۱۳۹.
۶. نظم المتناثر، ص ۲۸۲.
۷. الاذاعة، ص ۱۲۵.
۸. نظم المتناثر، ص ۲۸۲.
۹. نورالابصار، ص ۲۶۲.
۱۰. ابراز الوهم المکنون، ص ۲۳۲.
۱۱. معاضرة حول الامام المهدي، ص ۵۹.
۱۲. پیشین، ص ۵۸.
۱۳. تهذيب السنن الترمذی، ج ۲، ص ۵۱۰.
۱۴. عقیده ظهورمهدی، ص ۸۷.
۱۵. قصة المسيح الدجال و نزول عيسى، ص ۳۶.
۱۶. المهدي المنتظر، ص ۳۷.
۱۷. عقیده ظهورمهدی، ص ۸۷.
۱۸. القول المعتبر في الامام المنتظر، ص ۷.
۱۹. الفتن و يلبه جزء حنبل، ص ۱۴۴، حاشیه کتاب.



مسئله مهدویت، یکی از مسلمات عند الفریقین محسوب می‌شود. در این نوشتار تنها از برخی برکات مهم عصر ظهور، اشاراتی شده است و گرنه هر کدام از این برکات رساله‌ای مستقل می‌طلبد.

هدف نگارش: هدف اصلی این پژوهش، بیان حقائق بسیاری از منابع اهل سنت برای افکار عمومی مربوط به مسئله مهدویت، یکسان‌سازی مواضع فریقین نسبت به این مسئله و زمینه‌سازی برای پذیرش چنین اصلی از سوی اذهان عمومی بشر به‌ویژه مسلمانان تا با آشنایی بیشتر با برکات آن عصر، برای تحقق چنین پدیده استثنایی، سهیم باشیم.

سؤال اصلی: در این نگارش صرف نظر از همه مباحث مربوط به مسئله مهدویت، تنها برخی از شاخصه‌های مهم عصر ظهور سخن گفته است. سؤال اصلی این پژوهش «برکات عصر ظهور در روایات اهل سنت چیست؟» است. مهم‌ترین برکات را روایات اهل سنت همچون استقرار عدالت، از بین بردن ظلم، ایجاد امنیت، رفاه اقتصادی، واکنش مثبت عالم، عزت امت و تشکیل حکومت واحد جهانی دانسته‌اند.

۱- استقرار عدالت

برخی روایات اهل سنت یکی از مهم‌ترین برکات عصر ظهور را برای بشریت، استقرار عدالت دانسته است. بسیاری از دانشمندان اهل سنت از جمله امام احمد بن حنبل در این زمینه از ابوسعید خدری از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) روایت صحیح‌السند^۱ را آورده که آن حضرت (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به اصحابش بشارت ظهور مهدی را داده می‌فرماید: «أبشركم بالمهدی، یبعث فی امتی علی اختلاف من الناس و زلازل، فیملأ الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً»^۲. امام احمد بن حنبل روایت دیگری را نیز به همین مضمون نقل نموده است.

۱. نگارنده، نقداحدیث مهدویت از نگاه اهل سنت، ص ۱۱۹

۲. مسنداحمد، ج ۳، ص ۳۷



در این گونه روایات مهم‌ترین برکت عصر ظهور، سخن گفته و آن را اقامه عدالت در جهان دانسته است. تحقق چنین اصلی در جامعه آرزوی همه صالحان در طول تاریخ بوده است. قرآن مجید با تأیید این امر، هدف ارسال رهبران الهی را در جامعه، اقامه عدل دانسته است. آنان وظیفه داشتند که مردم را جواری تربیت کنند که خودشان برای تحقق عدالت در جامعه تلاش کنند. چنین چیزی محقق نمی‌شود مگر اینکه قبل از آن، تغییر در اندیشه و رفتار مردم صورت گیرد. رهبران الهی برای تحقق همین امر در جامعه سعی دارند: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»^۱ هدف بعثت همه رهبران صالح این بوده که مردم را طوری تربیت کنند که خودشان به تکامل برسند و برای نهادینه کردن ارزش‌های الهی در جامعه اقدام کنند.

اقامه عدالت از ویژگی‌های عصر ظهور و همچنین هدف بعثت انبیاء معرفی شده، به سه حوزه مختلف (رابطه با خدا، رابطه با خود و رابطه با دیگران) می‌تواند خود را نشان دهد. رابطه با دیگران در دو بخش قابل تقسیم است. بخش نخست، رابطه با دیگر انسان‌ها که می‌توان عدالت اجتماعی را در این حوزه دانست. دوم، رابطه با جهان طبیعت. رهبران الهی حتی برخورد با جهان طبیعت را بما یاد داده‌اند.^۲ در آیه همراه ادله و کتاب، میزان را نیز از عناصر اصلی عدالت دانسته است. بیشتر مفسران اهل سنت میزان را به معنای عدل دانسته،^۳ ولی ظاهراً آنان به این نکته توجه ننموده که خود آیه از عدالت سخن گفته است! لذا عدل دانسته معنای میزان مناسب نیست.

علامه، هر دو معنای عدل و ترازو را برای میزان رد کرده است.^۴ مراد از نزول میزان چه می‌تواند باشد که مردم به وسیله آن عدالت را برپا می‌کنند؟ لغت شناسان و مفسران بیشتر به طرف معنای میزان رفته‌اند؛ اما در این مقام نیاز به بیان مصداق آن است. برخی آن را

۱. حدید / ۵۷.

۲. ر.ک: محمدعلی انصاری، ترجمه نهج البلاغه (انصاری)، ص ۶۳۸.

۳. ر.ک: تفسیر مقاتل، ج ۳، ص ۷۶۷؛ جامع البیان، ج ۲۵، ص ۱۳؛ تفسیر القرآن العظیم ج ۷، ص ۱۸۰

۴. ر.ک: المیزان، ج ۱۸، ص ۵۳-۵۴.



ترازو دانسته، اما ترازو یک شیء مادی است و نزول آن همراه کتاب سنخیت ندارد. چیزی همراه کتاب نازل شود که سنخیت با کتاب داشته باشد. این واژه در قرآن بیشتر در موردسنجش امور معنوی بکار رفته است؛ و این با نزول ترازو معقول به نظر نمی‌رسد. لذا به نظر می‌رسد که مراد از نزول میزان چیزی باشد که با کتاب سنخیت داشته باشد. در اصل میزان، معیار سنجش همه اعمال و رفتار و اندیشه و اعتقادات مردم در دنیا و در آخرت باشد. بسیاری از روایات فریقین از میزان اعمال بودن رهبران دینی سخن گفته است.^۱ حدیث ثقلین بر سنخیت کتاب و رهبران الهی (عترت) اشاره می‌کند.^۲

استاد جوادی آملی میزان را سنجش حق و باطل دانسته است.^۳ به نظر می‌رسد که میزان ارتباط مستقیم باسعادت و شقاوت و سرنوشت جوامع و امت‌ها دارد. در اصل کار رهبران الهی در جامعه اول بایان براهین عقلی و نقلی اثبات حقانیت خود و کلام خود است. سپس با معرفی قوانین به صورت کتاب برای رفع نیازها قدم برمی‌دارند، سپس عقاید، احکام و اخلاق را در جامعه نهادینه کرده، به دست خود مردم معیار سنجش را قرار می‌دهند تا آنان با این معیار خودشان را تربیت کنند و تکامل یابند و با شناخت ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها، برای اقامه عدالت در جامعه حرکت کنند.

چنین چیز نیاز به معرفت رهبری و قوانین فردی و اجتماعی دین و عمل به دستورات رهبر دینی دارد. رهبر دینی، معیار به دست مردم می‌دهد تا عدالت فردی و اجتماعی اقامه شود. برای تحقق چنین هدفی باشد که در روایات قرآن، نماز، پیامبران و ائمه اهل بیت به عنوان وسیله سنجش افکار و اعمال مردم معرفی شده است.^۴ همین‌طور حب و بغض آنان هم معیار سنجش اعمال، ارزش‌ها و باورها معرفی شده است.^۵

۱. رک: علی ابن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، ج ۲، ص ۲۷۴؛ امام علی (ع)، میزان اعمال مردم و میزان الحساب در قیامت معرفی شده.

۲. رک: سلیمان طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۵، ص ۱۵۴، ۱۷۰.

۳. رک: ادب فنای مقربان، ج ۱، ص ۲۵۴.

۴. رک: محمد علی رضائی اصفهانی، تفسیر قرآن مهر، ج ۲۰، ص ۱۲۶.

۵. رک: ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۳، ص ۳۷۳؛ در روایات محبت علی (ع) میزان ایمان، کفرو

در عصر ظهور مردم با توجه به راه نمودهای مستقیم منجی عالم، ابزار شناخت اشیاء را به دست خواهند گرفت و با شناخت آن، برای تحقق عدالت قیام خواهند نمود. اهمیت میزان از اینجا واضح می‌شود که قرآن آن را یکی از راهکارها و پایه‌های اصلی تحقق عدالت دانسته است. بعضی هم گفته‌اند: «مراد از میزان، عقل است».^۱ پس یکی از اهداف بعثت انبیاء، برانگیختن خود مردم و جامعه برای اجرای عدالت است و از این طریق تغییرات اجتماعی و توسعه در همه حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، امنیتی، دینی، اجتماعی و... به دست خود مردم صورت می‌گیرد. اهمیت عدالت در حیات اجتماعی از اینجا معلوم می‌شود که قرآن تعبیر «لیقوموا بالناس بالقسط»، نموده است.

نکته بسیار قابل تأمل این است که قرآن کریم از اقامه عدالت همچون اقامه نماز، سخن گفته است؛ و این یک اصل قرآنی است که حرکت دائمی مردم را برای ایجاد عدالت اجتماعی در جامعه به رسمیت می‌بخشد. در برخی روایات اهل سنت، مهم‌ترین حرکت امام مهدی (عج الله تعالی فرجه الشریف) بعد از ظهور، برپایی عدالت در جامعه معرفی شده است.^۲ یعنی او همه جهان را به اعتدال و جایگاه حقیقی خود باز می‌گرداند و هر کس با شناخت کامل جایگاه خود را می‌شناسد و به خاطر چنین شناختی است که گرگ و میش باهم زندگی می‌کنند و پیرزن از مشرق زمین به سوی مغرب زمین، تنها سفر می‌کند، اما کسی به او ضرر نمی‌رساند!^۳ انسان در هستی، جایگاه خودش را شناخته و آن را یافته است. او ابزار شناخت را در دست دارد و عقل انسان هم به تکامل رسیده است.

در روایتی به یکی از برکات عصر ظهور اشاره شده چنین آمده است: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَ أَكْمَلَ بِهَا أَخْلَاقَهُمْ».^۴ در زمان ظهور،

نفاق شناخته شده است.

۱. رک: ابوبکر عتیق بن محمد سورآبادی، تفسیر سورآبادی، ج ۴، ص ۲۲۴۳.

۲. رک: احمد بن حنبل، المسند، ج ۳، ص ۳۷.

۳. رک: نگارنده، نقدا حدیث مهدویت از دیدگاه اهل سنت، ص ۱۳۳.

۴. قطب، راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۸۴۰.



عقل‌های مردم جمع و اخلاقشان با تماس به دست امام مهدی کامل می‌شوند و این برکت دیگری در عصر ظهور مهدی (عج الله تعالی فرجه الشریف) است. یعنی انسان در زندگی از کمبودی عقل رنج فراوان می‌برد اگر از عقل درست استفاده می‌شد، دیگر مشکلی نبود و در زمان ظهور عقول خوابیده بیدار می‌شوند و انسان از عقل استفاده می‌کند و گره‌های زندگی باز می‌شوند. همین‌طور مشکل اساسی دیگر انسان عدم تحمل دیگران و بداخلاقی‌های انسان است. بداخلاقی نتیجه عدم صبر است و در زمان ظهور این ملکه فاضله رشد می‌کند و ماده صبر شکوفه تر می‌شود.

در تعبیر دیگر از امام باقر (علیه‌السلام) چنین آمده است: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهِ أَحْلَامَهُمْ»^۱ یعنی وقتی قائم ما قیام کند، خداوند، دست او را بر سر بندگان قرار می‌دهد و از این طریق عقل آنان را جمع می‌کند و حلمشان به کمال می‌رسد. در چنین فضایی زندگی عقلانی بر حیات شهوانی غلبه می‌یابد.

واژه احلام، جمع حلم در لغت عرب به دو معنای حلم (بردباری) و عقول آمده است.^۲ یعنی در زمان ظهور عقول مردم جمع می‌شوند و ممکن است این تعبیر اشاره به اقسام مختلف عقل نیز باشد.

مهم‌ترین نوع عدالت در حوزه ارتباط انسان با انسان‌های دیگر است که به‌عنوان عدالت اجتماعی مطرح شده است. دانشمندان مسلمان سخنان بسیار زیادی در این بابت دارند. نقش اسلام در قوام و تحقق عدالت اجتماعی قابل‌انکار نیست.^۳ اصلاح نظام فردی و اجتماعی مهم‌ترین برنامه اسلام است^۴ که در عصر ظهور محقق خواهد شد.

۱. الکافی، ج ۱، ص ۲۵.

۲. المفردات فی غریب القرآن، ص ۲۵۳.

۳. رک: سید عبده فتحی، الاسلام و العدالة الاجتماعیه، ص ۵۵ به بعد.

۴. رک: محمد طاهر بن عاشور، اصول النظام الاجتماعی، فی الاسلام، ص ۴۱ به بعد.



اکنون ممکن است این سؤال مطرح شود که عدالت اجتماعی چیست؟ برخی دانشمندان عدالت اجتماعی را این‌چنین تعریف کرده‌اند: «عدل اجتماعی این است که با هر یک از افراد اجتماع به استحقاق آن فرد رفتار شود یکی را جای دیگری نگیریم و عملی را جای عمل دیگر نگذاریم»^۱. امروز بزرگ‌ترین چالش جهان، ظلم و بی‌عدالتی در آن است. همه جای عالم پر از ظلم شده است. امروز گوهر گمشده بشر عدالت است، حتی با ارزش‌ترین نهادهای مذهبی و علمی از کمبود آن رنج می‌برند. روابط، بجای ضوابط به صورت یک اصل حاکم در جهان شده است و می‌توان این عصر را «عصر بی‌عدالتی» نامید.

با توجه به ایجاد چنین تغییراتی است که در روایات فریقین تعبیر «فیما الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت جوراً و ظلماً» آمده است که حضرت مهدی (عج) الله تعالی فرجه الشریف)، زمین را بعد از ظلم و جور، از قسط و عدل پر خواهد نمود. عدالت قیام عمومی می‌خواهد! یعنی همه آحاد جامعه به آن اهتمام جدی بورزند، چون دشوار است، تنها عمل فردی به آن مجزی و مطلوب نیست، همین طور در قرآن کریم از اقامه نماز سخن گفته، نه صرف خواندن آن، گاهی ضرر هم دارد.^۲ اما اگر نماز قائم شود، به همه ابعاد وجودی انسان فیض می‌بخشد و چنین نمازی معراج مؤمن،^۳ و مانع منکر و فحشاء می‌شود.^۴ همین طور اگر عدالت هم چون نماز، اقامه شود، به همه هستی فیض می‌رساند.^۵

۲- ایجاد امنیت

امنیت با نبود هر گونه درگیری‌های اعتقادی، فکری، سیاسی و فیزیکی فراهم می‌شود. یکی از امتیازات اقامه عدالت این است که هر چیز جایگاه حقیقی خودش را می‌یابد و به تعادل همه‌جانبه دست پیدا می‌کند! همه نوع درگیری‌ها به پایان می‌رسد. در چنین فضایی

۱. رک: علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، ج ۴، ص ۳۰۱.

۲. ماعون/۱۰۷، «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ».

۳. رک: سلطان محمد گنابادی، تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادة، ج ۲، ص ۴۳۲.

۴. عنکبوت: ۲۹، ۴۵، «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ».

۵. «بالعدل قامت السموات والأرض» محمد، طنطاوی، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، ج ۱۴، ص ۱۳۱.



امنیت ایجاد می‌شود. وقتی ظلمی نباشد، لازمه چنین چیزی عدل است و امنیت ثمره آن می‌باشد. لذا در برخی روایات اهل سنت، تعبیرات قابل توجه بر می‌خوریم. در اصل این‌گونه روایات یک نمای کلی را از آن دوران به نمایش می‌گذارد. در زیر سایه حکومت عدل معصوم، بساط ظلم به کلی برچیده، عدالت همه‌جانبه مستقر خواهد شد و در نتیجه امنیت جهانی برای همه هستی مهیا می‌شود. در چنین فضایی است که حتی گرگ‌ومیش، شیر و گاو، مار و انسان از شر یکدیگر محفوظ خواهند بود.

در روایتی از ابن عباس درباره عصر ظهور چنین آمده است: «لایقی صاحب ملة الّا صار الی الاسلام حتی تأمن الشاة من الذئب و البقر من الاسد و الانسان من الحیة و حتی لاتقرض الفأرة جراباً و ذلك عند قیام القائم!»^۱ علت تجاوز بر یکدیگر دو عامل مهم چون گرسنگی و عصبانیت دارد و ریشه عصبانیت نیز همان گرسنگی می‌باشد و هنگام ظهور این دو عامل از بین خواهد رفت و امنیت کامل به وجود خواهد آمد.

مشکل‌ترین مسئله در این عصر، امنیت ناموسی است. در بسیاری از کشورها، مردم در داخل خانه‌ها، امنیت مشکل امنیت ناموسی دارند. ریشه این مشکل به خاطر ارضاء نشدن نیاز شهوانی انسان نهفته است. اگر این نیاز پاسخ داده شود، نیمی از مسئله امنیتی حل خواهد شد. برکات ظهور این است که در سایه استقرار امنیت جهانی، چنین وضعیتی پیش خواهد آمد که پیرزنی ناتوان، به قصد سفر از شرق زمین به غرب عالم به صورت تنها خواهد رفت، اما هیچ‌کس متعرض او نخواهد شد: «و تخرج العجوزة الضعیفة من المشرق ترید المغرب لایؤذیها احد»^۲.

یکی از پیامدهای مثبت انقلاب مهدویت، ایجاد امنیت در جامعه است. امنیت توسعه واقعی خواهد یافت. امنیت مقوله‌ای است که نه‌تنها انسان، بلکه بسیاری از مخلوقات دیگر به آن نیاز دارند. یکی از حقوق بنیادی افراد جامعه، تأمین امنیت است. قرآن دایره امنیت را توسعه داده، حتی در فکر امنیت سرزمین‌ها است لذا از زبان حضرت ابراهیم

۱. قندوزی حنفی، سلیمان، ینابیع المودة، ص ۴۲۳.

۲. پیشین، ص ۴۲۳.

(علیه‌السلام) چنین نقل می‌کند: «رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا»^۱. پاره‌ای از دعا حضرت ابراهیم (علیه‌السلام)، در حق سرزمین مکه است که امنیت آن را از خداوند برای نسل خود خواستار است. وی می‌داند که یک جامعه چقدر به امنیت نیاز دارد. جامعه بدون ترس، با امنیت می‌تواند در توسعه همه‌جانبه مشارکت نماید. قرآن با لحنی منت‌گذاری از امنیت سخن رانده، در مقابل آن از مردم بندگی را خواسته است. «فَلْيُعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ»^۲، حتی عبادت بدون امنیت استقرار نمی‌یابد.

در این آیه، کعبه و مردم مکه محور سخن قرار گرفته است. مکه سرزمین امن الهی است که مسلمانان جهان با داشتن شرایط، واجب است در زندگی یک‌بار به آن سفر کنند و عملاً در برنامه‌های مهم سیاسی عبادی و تربیتی اسلامی شرکت نمایند. در این تربیت گاه مردم روش ایجاد امنیت در جامعه انسانی را یاد می‌گیرند. جامعه مؤمن جامعه‌ای گفته می‌شود که در آن حتی قتل جانوران،^۳ پرندگان^۴ و حشرات،^۵ مجازات (کفاره)، دارد. اهداف اسلام در حج از جمله یاد دادن روش زندگی سالم در پرتوی ایجاد جامعه سالم در کنار هم دیگر است. در مکه صدها هزار حاجی از مناطق مختلف جهان گرد هم آمده، یک جامعه واحد آرمانی را به وجود می‌آورند و عملاً به جهانیان نشان می‌دهند که باوجود اختلاف سلیقه‌ها، رنگ، نسل، ملیت و... می‌توان، یک جامعه واحد دارای ارزش‌های الهی را تشکیل داد.

یعنی نوعی الگودهی و انتقال فرهنگ دینی در سرتاسر عالم صورت می‌گیرد. همچون مکه همه جوامع از نعمت امنیت برخوردار شوند. مکه پایگاهی مهم برای استقرار صلح و امنیت جهانی است. در موسم حج یک ماه آموزش مسالمت‌آمیز زیستن در کنار یکدیگر،

۱. بقره / ۱۲۶.

۲. قریش / ۴.

۳. ر.ک: محمد باقر، مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۳۸۳.

۴. ر.ک: صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۵۸.

۵. ر.ک: محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۳۶۴.



زندگی کردن، عدم تجاوز به دیگران حتی جانوران، حشرات از جمله طبیعت و... همه چیز در عمل محقق می‌شوند. زندگی مطلوب در سایه امنیت دست‌یافتنی است، «وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا»^۱ امنیت مردم، از اولویت‌های برنامه‌های رهبران الهی بوده است.^۲

امام مهدی (عج الله تعالی فرجه الشریف) امنیت را توسعه داده، به همه موجودات برکت امنیت را هدیه می‌نماید. یکی از عوامل تأمین کننده امنیت، ایمان می‌باشد که نقش اساسی در حیات جامعه برخوردار است، لذا نقش مؤمن تنها در تأمین امنیت خود خلاصه نمی‌شود، بلکه او در تأمین امنیت دیگران نیز تأثیر فوق‌العاده دارد. در چنین صورتی است که بر او مؤمن اطلاق می‌شود. در عصر ظهور همه جوامع از نعمت ایمان برخوردار می‌شوند و امنیت مطلوب به وجود خواهد آمد. لازمه امنیت، دوری از ستم است. قرآن، امنیت همه‌جانبه را برای جامعه خواستار است: «فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ»^۳

تعبیر ماهیت جامعه از ظلم به ایمان، امنیت جامعه را هم تأمین می‌کند. امروز امنیت، حلقه گمشده جوامع است. استکبار جهانی با نام مبارزه با تروریسم، امنیت جهانی را با خطر جدی مواجه کرده است. صدها هزار مردم در کشورهای مختلف همچون: افغانستان، عراق سوریه، یمن و... کشته شده‌اند و هنوز، این ترورها در اطراف مختلف جهان ادامه دارد. اگر امروز دست از ظلم برداشته شود، امنیت قائم می‌شود. همه این نا امنی‌ها ریشه در ظلم دارد. امنیت مورد نظر قرآن منحصر به یک حوزه نیست، بلکه در تمام ابعاد حیات جامعه، از جمله فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... را شامل می‌شود. اسلام خواهان امنیت جهانی است، لذا یکی از ویژگی‌های حکومت امام مهدی (عج الله تعالی فرجه الشریف)، تأمین امنیت همه‌جانبه و جهانی است.^۴

۱. نور/۵۵.

۲. یوسف/۹۹.

۳. انعام/ ۸۱-۸۲.

۴. ر.ک: نگارنده، نقد احادیث مهدویت از دیدگاه اهل سنت، ص ۱۲۵.

قرآن کریم از استقرار نظامی در آینده خبر می‌دهد که هیچ‌گونه نا امنی در آن دیده نخواهد شد، «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا»^۱ از این آیه استفاده می‌شود تا استقرار نظام خدا محور بر زمین، جامعه مؤمن، امنیت نخواهد داشت. «وَ لِيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا»، اگر امنیت قبلاً تأمین باشد، دیگر دادن چنین نویدی بی‌فایده خواهد بود. این آیه به توسعه همه‌جانبه به‌ویژه، توسعه سیاسی و قدرت دینی اشاره دارد. بدون تغییرات بنیادین در جامعه امکان به دست آوردن چنین امری محال است. امنیت با مفهوم وسیع آن، تنها با حاکمیت یک نظام الهی، به دست رهبر عادل به وجود خواهد آمد آیه و روایات نیز به این مطلب اشاره دارد که چنین امنیتی در عصر ظهور محقق خواهد شد.^۲

۳-رفاه اقتصادی

بعد از ظهور امام مهدی (عج الله تعالی فرجه الشریف)، اقتصاد جامعه دگرگون خواهد شد. اقتصاد نقش موثر در جامعه دارد، نه نقش مطلق. برخی جامعه شناسان غربی همچون مارکس و مارکسیستها که اقتصاد را زیربنای همه چیز (حتی دین، مذهب، اخلاق و...) می‌دانند.^۳ البته در مقابل این‌ها، برخی دیگر از دانشمندان اقتصادی غربی مانند پارتو، کروچه، سورل،^۴ اینشتاین و ادوین فاگلمان و غیره^۵ دیدگاه مارکس و همفکرانش را در این زمینه رد و نقد نموده اند. دیدگاه مارکسیستی در دین جایگاهی ندارد زیرا اسلام زیر بنا دانستن اقتصاد را مردود می‌داند، در عین حال نقش اقتصاد و تأثیر آن را در جامعه می‌پذیرد.

۱. نور / ۲۴، ۵۵.

۲. رک: محمد بن ابراهیم، نعمانی، الغیبة للنعمانی، ص ۲۴۰.

۳. رک: کارل مارکس، سرمایه، ج ۱، ص ۶۵ به بعد.

۴. رک: ه. استیوارت هیوز، آگاهی و جامعه، ص ۵۷.

۵. مکاتب سیاسی معاصر، ص ۸.



قرآن برخوردار جامعه از اقتصاد سالم را امری لازم می‌داند. همین طور اقتصاد را برای جامعه انسانی مایه حیات دانسته، به عقلای عالم هشدار می‌دهد که نباید اقتصاد به دست سفیهان و بی‌خردها بیافتد: «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا»^۱. قرآن به اقتصاد تنها نگاه ابزاری نمی‌کند، بلکه به آن نگاه ارزشی دارد، لذا حدود و قیود آن را نیز مطرح نموده است. در این آیه ثروت را مایه قوام زندگی، تحرک و حیات‌بخش مردم معرفی نموده است. واژه قیام، از قوام گرفته است و قوام به نظم دهنده و قوام بخشنده امری را گویند.^۲ آیه نقش اقتصاد را در زندگی فردی و اجتماعی بسیار حائز اهمیت دانسته است. بدون اقتصاد پویا، جامعه از رشد و توسعه باز می‌ماند.

استاد جوادی آملی درباره تحصیل و دوست داشتن عاقلانه مال را خیر و فضیلت دانسته،^۳ نقش ثروت را در جامعه با نقش خون در بدن مقایسه می‌کند و می‌نویسد: «گردش نامنظم ثروت در جامعه نیز همانند گردش نامتعادل خون در بدن برای جامعه مشکلات فراوانی را به بار می‌آورد: همان‌گونه که ناهماهنگی در گردش خون، برخی از اعضای بدن را فلج می‌کند، گردش ناهماهنگ ثروت میان مردم نیز زندگی اقشار محروم جامعه را فلج و نظام جامعه را مختل می‌کند و فاصله طبقاتی شدیدی ایجاد می‌گردد».^۴

در روایات اهل سنت یکی از برکات مهم عصر ظهور رشد و توسعه همه‌جانبه اقتصادی معرفی شده است. روایات از پرشکوه‌ترین دوران حیات بشر سخن می‌گویند که در آن بزرگ‌ترین مسئله امروزی بشر حل شده است. اقتصاد چنین رشدی سریع به خود خواهد گرفت که در نتیجه آن، انقلاب بزرگی بنام «بی‌نیازی» را جوامع انسانی تجربه خواهند نمود.

حاکم نیشابوری از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) با سند معتبر روایتی را نقل می‌کند که آن حضرت (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در آن از خروج امام مهدی (عج‌الله)

۱. نساء/۵.

۲. ر.ک: محمدجوادی‌بلاغی نجفی، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۱۲.

۳. عبدالله جوادی آملی، تسنیم، ج ۱۷، ص ۳۴۰.

۴. پیشین، ج ۱۷، ص ۳۴۲.

تعالی فرجه الشریف) سخن گفته، از جمله فرمودند: «و يعطى المال صحاحاً و تكثر الماشية و تعظم الامة».^۱ این روایت در نظر بسیاری از علمای اهل سنت همچون: حاکم و ذهبی؛^۲ آلبانی؛^۳ آرنووط؛^۴ و بستوی،^۵ «صحیح» است. این روایت از ابن مسعود^۶ هم نقل شده است. در این روایت از کثرت و تقسیم عادلانه ثروت سخن بمیان آمده است. ابن ماجه قزوینی از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) روایت دیگری نقل می کند که فرمودند:

«يكون في امتي مهدى. فتتعم فيه امتي نعمة لمينعموا مثلها قط. تؤتى اكلها و لاتدخر منهم شيئاً و المال يومئذ كدوس فيقوم الرجل فيقول يا مهدى اعطني فخذ».^۷ فروان ثروت به قدری است که هر کس مطالبه کند بدون هیچ پیش شرطی به وی عطا می شود.

روایت احمد بن حنبل دورنمای آن عصر را این چنین ترسیم نموده است. «يقسم المال صحاحاً، فقال له رجل: ماصحاحاً؟ قال: بالتسوية بين الناس. قال: و يملأ الله قلوب امة محمد غنى و يسعهم عدله حتى يأمر منادياً فينادى فيقول، من له في المال حاجة؟ فمايقوم من الناس الارجل، فيقول: ائت السادن يعنى الخازن فقل له: المهدى يأمرک ان تعطيني مالاً فيقول له: أحت حتى اذا جعله فى حجره و ابرزه ندم، فيقول:

۱. المستدرک، ج ۴، ۵۵۸.

۲. حاکم، پیشین.

۳. سلسله الاحادیث الصحیحه، ج ۲، ص ۳۲۸، ش ح ۷۱۱.

۴. الاذاعه، ص ۱۴۰.

۵. المنتظر، المهدی، ص ۱۶۵.

۶. هندی، متقی، کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۷۳.

۷. سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۷.



كنت اجشع امة محمد نفساً او عجز عنى ماوسعهم؟ قال: فیرده، فلا یقبل منه، فیقال: **إِنَّا لَنَأْخُذُ شَيْئاً أَعْطَيْنَاهُ**.^۱ در این روایت بیان شده که مردم از ثروت بی‌نیاز می‌شوند تا اینکه اعلام می‌شود که هر کس ثروتی نیاز داشته باشد، بگیرد! نکته قابل توجه این است که باوجود اعلام، هیچ‌کس برای گرفتن پول و ثروت از جا تکان نمی‌خورد! تنها شخصی بلند می‌شود و ثروتی می‌گیرد اما از این کار خود پشیمان می‌شود.

روایت بعدی نیز از بی‌نیاز مردم و فراوانی ثروت در جامعه مهدوی حکایت دارد. ترمذی از ابوسعید خدری روایت آورده که او می‌گوید ما از حوادث بعد از وفات پیامبر از خود آن حضرت (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) پرسیدیم که چه خواهد شد؟ در پاسخ فرمودند: «ان فی امتی المهدی یخرج یعیش خمساً او سبعمائة او تسعمائة زید الشاک. قال: قلنا: و ما ذاک؟ قال: سنین، قال: فیجیء الیه الرجل فیقول: یا مهدی! اعطنی اعطنی، قال: فیحیی له فی ثوبه ما استطاع ان یحمله».^۲ برخی دانشمندان اهل سنت اصل این حدیث را «متواتر» می‌دانند.^۳

همه این‌گونه روایات بر توسعه یافتن اقتصاد اسلامی در عصر ظهور دلالت دارند که با استقرار یافتن حکومت عدل همراه رهبر الهی، جامعه انسانی به بی‌نیازی مطلق دست خواهد یافت؛ و در آن دولت کریمه حتی حقوق‌بگیر پیدا نخواهد شد. فقر به‌طور مطلق ریشه‌کن می‌شود. چون نظام اقتصادی اسلام به دست رهبر صالح، به مرحله اجرا در آمده است.

۱. مسند احمد، ج ۳، ص ۳۷.

۲. سنن ترمذی، ج ۴، ص ۱۰۰.

۳. تهذیب سنن الترمذی، ج ۲، ص ۵۱.

۴- واکنش مثبت عالم

در برخی روایات معتبر اهل سنت سخنان فراوان نسبت به واکنش هستی در مقابل رفتار مردم بیان شده است. در برخی روایات اهل سنت، از مسرور شدن اهل آسمان و زمین، حتی پرندگان در هوا، ماهی‌ها در دریا، مردگان در قبور، خبر می‌دهند! برخی روایات، از عکس‌العمل طبیعت مانند آمدن باران‌های فراوان، سبزه‌ها، فراوانی میوه‌جات، بیرون نمودن خزانه‌ها توسط زمین نیز سخن گفته است. حذیفه از پیامبر (صلی‌الله علیه وآله وسلم) چنین روایت آورده که آن حضرت فرمود:

«...یفرح به اهل السماء و اهل الارض و الطیر و الوحوش و الحیتان فی البحر و تزدید المیاه فی دولته و تمدّ الانهار و تضعف الارض أكلها و تستخرج الكنو»^۱ اهل آسمان و زمین، پرنده، وحشی‌ها و ماهی‌ها در دریا به او خوش‌اند. در دولت او، آب زیاد و رودها جاری خواهد شد و زمین خوراکی‌های خود را افزون خواهد ساخت و معدن‌ها را استخراج خواهد کرد. امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در روایتی طولانی^۲ فرمود: «و یزرع الانسان مداً یخرج سبعمائه مدّ، كما قال الله تعالی: كَمْثَلِ حَبَّةِ أُمْنَبِتٍ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُمْبَلَةٍ مِائَةَ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ»^۳ از ابوسعید خدری روایت شده که آن حضرت (صلی‌الله علیه وآله وسلم) فرمود: «تنعم أمتی فی زمن المهدي نعمة لمیتنعموا مثلها قطّ، ترسل السماء علیهم مدراراً و لاتدع الارض شیئاً من نباتها الا أخرجته»^۴ از ابوسعید خدری روایت دیگری نیز از رسول خدا (صلی‌الله علیه وآله وسلم) نقل شده است که تحولات ایجاد شده در عصر ظهور اثرات این‌چنانی دارد که حتی مردگان آرزوی زندگی می‌کنند:

۱. یوسف، مقدسی شافعی، عقدالدرر، باب ۷، ص ۱۴۹.

۲. پیشین، باب ۹، ص ۲۰۰.

۳. بقره/۲۶۱.

۴. پیشین، ص ۱۴۵.



«ینزل بأمّتی فی آخر الزمان بلاء شدید من سلطانهم لمیسمع بلاء اشد منه حتی تضیق عنهم الارض الرحبة و حتی یملاء الارض جوراً و ظلماً لایجد المؤمن ملجأً یتلجی الیه من الظلم فیبعث الله عزوجل رجلاً من عترتی فیملأ الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً یرضی عنه ساکن السماء و ساکن الارض لاتدخر الارض من بذرها شیئاً الا اخرجته و لالسماء من قطرها شیئاً الا صبه الله علیهم مدراراً یعیش فیهم سبع سنین او ثمان او تسع. تتمنی الاحیاء الاموات مما صنع الله عزوجل بأهل الارض من خیره»^۱ گسترش رحمت الهی بر بندگان در آن عصر طوری است که همه عالم به آن واکنش نشان می‌دهند حتی مردگان در قبر آرزوی زندگی در زیر سایه حکومت آن حضرت (عج الله تعالی فرجه الشریف) را دارند. این گونه روایات از توسعه خیر و برکات همه‌جانبه در جامعه مهدوی تصریح دارند.

۵- عزت امت

برخی روایات اهل سنت، از جمله برکات مادی و معنوی آن عصر را بیان نموده، از برکت عزت و عظمت امت مسلمان سخن گفته است. از ابوسعید خدری روایت شده که رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) در ضمن بیان ویژگی‌های آن دوران فرمودند: «یخرج فی آخر امتی المهدی، ... و تعظم الامّة»^۲.

حاکم نیشابوری نیز از ابوسعید روایت آورده که آن حضرت (صلی الله علیه وآله وسلم) در آن نیز از عظمت و عزت مسلمین سخن گفته است.^۳ امروز امت مسلمان به درد ذلت مبتلا شده است. عظمت خود را نوکری به مستکبران عالم تلاش می‌کنند. قرآن عزت را از

۱. حاکم، نیشابوری، المستدرک، ج ۴، ص ۴۶۵.

۲. یوسف، مقدسی شافعی، عقد الدرر، باب ۷، ص ۱۴۴.

۳. المستدرک، ج ۴، ص ۵۵۸.



پیامدهای ایمان می‌داند، «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ»^۱. جامعه وقتی عزت دار می‌شود که با خدا و نماینده‌اش، ارتباط داشته باشد. ارزش جامعه مبتنی بر جهان‌بینی توحیدی آن است. در اصل این جهان‌بینی توحیدی است که به جامعه عزت می‌بخشد. قرآن منشأ عزت را گفتار پاکیزه و رفتار نیک می‌داند.^۲ که از جهان‌بینی الهی سر می‌زند و در دوران حکومت معصوم به اوج خود می‌رسد. تغییر جامعه از ضد ارزش‌ها به ارزش‌ها، از برکات عصر ظهور است. جامعه‌ای با عزت است که دارای نظام مستقل، حکام با بصیرت و برخوردار از پشتیبانی مردمی باشد. قرآن و روایات چنین جامعه‌ای را جامعه عصر مهدوی ترسیم نموده است، لذا در دعای افتتاح توصیه ترغیب به سوی دولتی شده که موجب عزت مسلمین و ذلت منافقین خواهد شد، «اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ، تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ، وَ تَذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَ أَهْلَهُ»^۳. در آن عصر اسلام به تمام معنی بر همه جهان حاکمیت خواهد داشت و با اجرائی شدن دستورات آن، امت نیز به عزت واقعی دست خواهد یافت.

۶- تشکیل حکومت واحد جهانی

یکی دیگر از برکات عصر ظهور را تشکیل حکومت واحد جهانی دانست. در روایات متعدد اهل سنت از دولت جهانی حضرت مهدی (عج الله تعالی فرجه الشریف) سخن بمیان آمده است. در آیات قرآنی نیز به همین موضوع اشاره شده است. تشکیل دولت جهانی بدون یک نظام واحد جهانی و رهبر واحد جهانی امکان ندارد، آیه «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»^۴ بر چنین مدعایی دلالت

۱. منافقون/۶۳.

۲. فاطر/۳۵.

۳. سید ابن طاووس، الإقبال بالأعمال، ج ۱، ص ۱۴۲.

۴. توبه/۳۳.



تمام دارد. در این آیه، هدف بعثت پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) غالب نمودن دین اسلام به عنوان یک نظام برتر و برحق، بر همه ادیان جهانی دانسته است. جمله «وَ دینِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» می‌رساند که دین اسلام بر همه ادیان عالم غلبه می‌یابد. معنای غلبه یافتن این است که همه مردم دارای ادیان مختلف از اسلام آگاهی پیدا کنند، سپس آن را به عنوان دین قبول کنند و از ادیان دیگر تبری جویند. از طرف دیگر با توجه به تاریخ اسلام، در هیچ مقطعی از زمان، اسلام بر همه ادیان غلبه نیافته است و امروز اکثریت انسان‌ها بر ادیان دیگر هستند. طبق آمارها، امروز جمعیت بشر، بیش از هفت میلیارد نفر هستند و تنها یک و نیم میلیارد مسلمان داریم. این یعنی اقلیت مسلمانان در مقابل دیگران را تداعی می‌کند. قرآن در این آیه از تکامل تاریخی دین اسلام خبر می‌دهد که روزی خواهد آمد که در آن روز اسلام به عنوان دین برتر، بر همه ادیان غالب خواهد شد. نظام سیاسی اسلام بر همه نظام‌های جهانی غلبه می‌یابد. نظام اقتصادی اسلام بر همه نظام‌های اقتصادی جهان پیروز می‌شود؛ همین‌طور در همه ابعاد سیاسی، نظامی، فرهنگی و... دین اسلام حاکم می‌شود.

در آیه دیگر از حاکمیت مطلق مردم به استضعاف کشنده، بر مستکبران جهانی صحبت شده، «وَ تَرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»^۱. این آیه نیز حرکت تکاملی تاریخ را بازگو می‌کند. در این آیه قلمرو حکومت مستضعفین را همه روی زمین دانسته است و در آیه دیگر نیز رهبران چنین دورانی را صالحان دانسته که بر همه جهان حکومت خواهند نمود، «وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»^۲. در آیه دیگر نیز از استخلاف مردم صاحب اندیشه و عمل را بر همه جهان دانسته و خبر از تسلط نظام ارزشی آنان صحبت شده است و از امنیت کامل جهانی سخن گفته و اشاره به بندگی آنان در مقابل حق شده است،

۱. قصص/۵.

۲. انبیاء/۱۰۵.



«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»^۱

در برخی روایات فریقین، آیات مطرح شده را ناظر به حکومت جهانی مهدوی دانسته است.^۲ همین طور در این گونه آیات، از حرکت تکاملی تاریخ و جوامع اشاره شده است. مردم باید برای رسیدن به چنین مقطعه‌ای سعی فراوان از خود نشان دهند، نظام‌های فاسد جهانی را به مردم معرفی کنند. دوشاخه‌ی برجسته دولت مهدوی، اقتصاد همگانی و امنیت جهانی است،^۳ این دو شاخه به گوش همه مردم جهانی برسد تا آنان با بصیرت و آگاهی کامل به سوی زمینه‌سازی به چنین نظامی حرکت کنند. در برخی روایات حتی مدت عمر دولت آن حضرت نیز اشاره شده است.^۴

باید دانست که روایات اهل سنت بر حکومت واحد جهانی، توسط امام مهدی در آخر الزمان اتفاق دارند و این دولت، همه نظام‌های فاسد و دولت‌های خوکامه را از بین خواهد برد. مفهوم سیاست را توسعه خواهد داد و چهره واقعی سیاست را به صورت «مدیریت جهانی»، آشکار خواهد نمود.

۱. نور، ۲۴، ۵۵.

۲. رک: تفسیر فرات الکوفی، ص ۴۸۱؛ عبیدالله بن احمد، حسانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۵۵۵، مجمع

البيان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۱۰۶

۳. رک: نگارنده، نقد احادیث مهدویت از دیدگاه اهل سنت، ص ۱۳۳.

۴. رک: ابن ابی شیبیه، المصنف، ج ۷، ص ۵۱۲.

نتیجه

در روایات اهل سنت برخی شاخصه‌های اصلی عصر ظهور مطرح شده است. در عصر ظهور برکات الهی جامعه را دربر خواهد گرفت. استقرار عدالت، ایجاد امنیت، رفاه اقتصادی، واکنش مثبت عالم، عزت امت و تشکیل حکومت واحد جهانی از مهم‌ترین برکات این دوره به حساب می‌آید. روایات مطرح شده در این زمینه از اسناد معتبر و متن بسیار متقن برخوردار می‌باشند. با توجه به اصل مطرح شده، «عرض حدیث بر قرآن» نیز با این روایات سازگاری تام دارد. تحقق برکات مطرح شده در منابع اهل سنت، تنها با دولتی هم‌خوانی دارد که در رأس امور آن یک رهبر الهی باشد. روایات مطرح شده چنین رهبری را امام مهدی (عج الله تعالی فرجه الشریف) معرفی نموده است.



منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. انصاری، محمدعلی، ترجمه نهج البلاغه، تهران: منشورات نوین، بی تا.
۳. ابن ابی شیبہ، ابوبکر عبدالله، المصنف (فی الاحادیث و الآثار)، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۹۹۵ م.
۴. ابن حنبل، امام احمد، مسند احمد بن حنبل، دارالفکر، بی جا، بی نا، بی تا.
۵. ابن سوره، محمد بن عیسی، سنن الترمذی، بیروت: دارالفکر، ۱۹۹۴ م.
۶. ابن عاشور، محمد طاهرشاذلی، اصول النظام الاجتماعی، فی الاسلام، قاهره: دارالسلام، ۱۴۲۶ ق.
۷. ابن عساکر، علی، تاریخ مدینه دمشق، تحقیق علی شیری، بیروت دارالفکر، ۱۴۲۱ ق.
۸. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر بن کثیر دمشقی، البداية و النهایة، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۷ ق.
۹. ابن ماجه قزوینی، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی تا
۱۰. ابنشتاین، ویلیام - ادوین فاگلیمان، مکاتب سیاسی معاصر، ترجمه حسینعلی نودری، انتشارات نقش جهان، ۱۳۷۶ ش.
۱۱. آلبنانی، محمد ناصرالدین، قصة المسيح الدجال و نزول عیسی، عمان: المكتبة الاسلامية، ۱۴۲۱ ق.
۱۲. آلبنانی، محمد ناصر، سلسلة الاحادیث الصحیحة، مكتبة المعارف، الرياض، ۱۹۹۱ م.
۱۳. برزنجی، محمد بن عبدالرسول، الاشاعة الاشارات الساعة، بیروت: دارالهجرة، ۱۹۹۵ م.
۱۴. بستوی، عبدالعلیم عبدالعظیم، المهدي المنتظر (فی ضوء الاحادیث و الآثار الصحیحة)، مکه: المكتبة المکیة دار ابن حزم، ۱۹۹۹ م.
۱۵. بشوی، محمد یعقوب، نقد احادیث مهدویت از دیدگاه اهل سنت، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
۱۶. بلاغی، محمد جواد نجفی، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم: بنیاد بعثت، ۱۴۲۰ ق.



۱۷. بلخی، مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت: دار إحياء التراث، ۱۴۲۳ ق.
۱۸. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، قم: اسراء، ۱۳۷۹ ش.
۱۹. جوادی آملی، عبدالله، آداب فنای مقربان، قم، اسراء.
۲۰. حسکانی حاکم، عبید الله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ ق.
۲۱. حنبل بن اسحاق، الفتن (جزء حنبل بن اسحاق)، تحقیق عامر حسن صبری، بیروت: دارالبشائر الاسلامیه، ۱۹۹۸ م.
۲۲. راوندی، قطب، الخرائج و الجرائح، مدرسه امام مهدی، بی جا، بی تا.
۲۳. رضایی اصفهانی، محمد علی، تفسیر قرآن مهر، انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۷ ش.
۲۴. سور آبادی، ابوبکر عتیق بن محمد، تفسیر سور آبادی، تهران، فرهنگ نشر نو، ۱۳۸۰ ش.
۲۵. سید ابن طاوس، الإقبال بالأعمال الحسنة، نهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۶۷ ش.
۲۶. سیوطی، جلال الدین، الحاوی للفتاوی، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۹۸۸ م.
۲۷. شافعی، محمد بن یوسف، البیان فی اخبار صاحب الزمان، قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۹ ق.
۲۸. شامزئی، نظام الدین، عقیده ظهور مهدی، کراچی: الفیصل پرنتر، بی تا.
۲۹. شبلنجی، مؤمن بن حسن، نورالابصار فی مناقب ال بیت النبی المختار، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۹۹۷ م.
۳۰. صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی، من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
۳۱. طباطبائی؛ محمدحسین، تفسیرالمیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعہ مدرسین حوزہ علمیه، ۱۳۷۴ ش.
۳۲. طبرانی، سلیمان، المعجم الکبیر، قاهره، مکتبه ابن تیمیہ، بی تا.

۳۳. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۳۴. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفة، ۱۴۱۲ ق.
۳۵. طنجی، عبدالله بن عبدالقادر، تهذیب السنن الترمذی، مغرب: دارالمعرفة، بی تا.
۳۶. طنطاوی، محمد، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، بی جا، بی نا، بی تا.
۳۷. عباد، عبدالمحسن، محاضرة حول الامام المهدي والتعليق عليها، تهران: مطبع گلشن، ۱۴۰۲ ق.
۳۸. عسقلانی، ابن حجر، فتح الباری، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۹۹۷ م.
۳۹. فتحی، سید عبده، الاسلام و العدالة الاجتماعیه، اسکندریه، موسسه شباب الجامعه، ۲۰۰۹ م.
۴۰. فضل الله، محمد، تفسیر من وحی القرآن، بیروت: دار الملائک للطباعة و النشر، ۱۴۱۹ ق؛
۴۱. قادری، محمد طاهر، القول المعتر في الامام المنتظر، لاهور: منهاج القرآن پبلیکیشنز، ۲۰۰۲ م.
۴۲. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ ش.
۴۳. قرطبی، احمد، الجامع لاحکام القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۵ م.
۴۴. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، قم: دار الکتب ۱۳۶۷ ش.
۴۵. قندوزی حنفی، سلیمان، ینابیع المودة، قم: مکتبه بصیرتی، ۱۹۶۶ م.
۴۶. قنوجی، محمدحسن، الأذاعة بماکان و مایکون بین یدی الساعة، تحقیق عبدالقادر الأرنؤوط، بیروت: دار ابن کثیر، ۱۹۹۹ م.
۴۷. کتانی، محمد بن جعفر، نظم المتناثر، فی الحدیث المتواتر، مصر، دارالکتب السلیفة، بی تا.
۴۸. کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۴۹. گنابادی، سلطان محمد، تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادة، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۸ ق.



۵۰. مارکس، کارل، سرمایه، ترجمه حسن مرتضوی، تهران، آگاه، ۱۳۸۶ ش.
۵۱. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، موسسه الوفاء.
۵۲. مزى، جمال الدين ابى الحجاج يوسف، تهذيب الكمال (فى اسماء الرجال) بيروت: دارالفكر، ۱۹۹۴م.
۵۳. مشوخی، ابراهيم المهدي المنتظر، اردن: مكتبة المنار، ۱۹۸۴م.
۵۴. مغربى شافعى، احمد، ابراز الوهم المكتوبون من كلام ابن خلدون، اصفهان: مكتبة الامام امير المومنين، بى تا.
۵۵. مقدسى شافعى، يوسف، عقد الدرر فى اخبار المنتظر، تحقيق عبدالفتاح محمد الحلو، بى جا، بى نا، بى تا.
۵۶. نعمانى، محمد بن ابراهيم، الغيبة للنعمانى، شرسدوق، بى جا، بى تا.
۵۷. نيشابورى، ابو عبدالله حاكم، المستدرک على الصحيحين، بيروت: دارالمعرفة، بى تا.
۵۸. هندی، على بن حسام الدين متقى، كنز العمال فى سنن الأقوال والأفعال، بيروت: مؤسسة الرسالة، ۱۹۸۹ م.
۵۹. هيتمى، ابن حجر، الصواعق المحرقة (على اهل الرفض والضلال، الزندقة)، بيروت، مؤسسة الرسالة، ۱۹۹۷م.
۶۰. هبوز، هـ استيوارت، آگاهى و جامعه، ترجمه عزت الله فولادوند، تهران، شركت انتشارات علمى و فرهنگى، ۱۳۷۳ ش.